

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: گلوبال ریسرچ - ۱۱ نومبر ۲۰۲۲*
نویسنده: جنید اس. احمد**
برگردان: سایت «۱۰ مهر»
۲۱ نومبر ۲۰۲۲

تیراندازی به عمران خان: پاکستان به اوج بحران رسیده است



خان از حمایت گسترده در صفوف ارتش پاکستان برخوردار است و شاید این توضیح خوبی باشد که چرا دولت امنیت ملی به شدت نظامی شده تا این حد از سرکوب بسیج مردمی بی‌میل بوده است. اگر چنین دستوراتی صادر می‌شد، این خطر واقعی وجود داشت که اسلحه‌های سربازان به سمت دیگر برگردد و شورش در ارتش ایجاد شود.

نخست‌وزیر سابق علی رغم تلاش‌های خرابکارانه توسط دشمنان سیاسی‌اش، از حمایت گسترده عمومی برخوردار است.

حتی در همان حالی که پاکستان با پیامدهای ناشی از سیل شدید دست و پنجه نرم می‌کند، انبوهی از مردم همچنان به خیابان‌ها می‌آیند تا در مبارزه برای تغییرات بنیادین شرکت کنند. تیراندازی به عمران خان نخست‌وزیر سابق در یکی از این تظاهرات در اوایل ماه جاری، کشور را به اوج بحران رسانده است.

امروزه، محبوبیت خان به‌عنوان یک رهبر سیاسی در اوج خود قرار دارد - و دقیقاً به همین دلیل است که او اکنون در مشکل می‌باشد. او که در اپریل پس از دست دادن رأی عدم اعتمادی که توسط دشمنان سیاسی‌اش تدارک دیده شده بود، از سمت خود برکنار شد، عزم خستگی‌ناپذیری برای مقابله با آن نشان داده است.

آنچه از پی این حوادث آمده است، چیزی کمتر از تاریخی نبوده است. پاکستان شاهد برکناری بسیاری از سیاستمداران غیرنظامی بوده است، اما اکثریت مردم عادی نسبت به چنین دسیسه‌های نخبگان نسبتاً بی‌تفاوت بوده‌اند. سبب بدبختی

ملت این بوده است که گاهی اوقات غارت آشکار کشور توسط سیاستمداران غیرنظامی در قدرت، باعث آن شده است تا عملاً حکومت نظامی‌ها بهتر به‌منظر برسد - یا حداقل تفاوتی چندانی با حکومت غیرنظامیان نداشته باشد.

برکناری خان موجب خشم فراوان بخش بزرگی از مردم شد که معتقد بودند «تجربه خان» اکنون مرده است. تصمیم او برای مقابله به مثل در کشوری که ثروت و قدرت در انحصار نخبگان غیرنظامی و نظامی که خان را تحقیر می‌کنند، صراحتاً معجزه‌آسا است.

خان برای احیاء و برانگیختن جمعیتی که در غیر این صورت از بازگشت نظم سیاسی قدیمی ناامید می‌شدند، در سراسر کشور تظاهرات برگزار کرده است. در گرمای سوزان تابستان و علی‌رغم سیل‌های ویرانگر، خان یک قدم هم از خواسته اصلی خود کوتاه نیامد: این که کشور باید انتخاباتی برگزار کند تا مشخص شود چه کسی باید حکومت کند.

ناامیدانه به دنبال تغییر

اما چیزی که به‌منظر می‌رسد یک خواسته نسبتاً پیش‌پا افتاده است، تحقیر احزاب جریان اصلی سنتی است. به‌ویژه حزب مسلم لیگ پاکستان (N) که رهبر آن شهناز شریف بدون حکم مردمی به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب شده است، وحشت‌زده است. مدت‌هاست که این کشور به تسلط بر قدرتمندترین و پرجمعیت‌ترین استان کشور، پنجاب، که در انتخابات میان‌دوره‌ای جولای توسط حزب تحریک انصاف پاکستان (PTI) پس گرفته شد، عادت کرده است.

ظهور حزب تحریک انصاف خان شاهکار کوچکی نبود، زیرا این حزب نسبتاً جوان بن‌بست سیستم دو حزبی را که برای چندین دهه بر زندگی سیاسی کشور مسلط بود، شکست. واضح است که پاکستانی‌ها بشدت خواهان تغییر هستند.

نخبگان حاکم پاکستان تقریباً تمام تلاش خود را برای جلوگیری از این روند انجام داده‌اند و تلاش کرده‌اند تا رأی‌گیری در خارج از کشور را توسط پاکستانی‌هایی که اکثراً از خان حمایت می‌کنند، ممنوع کنند. پولیس خان را به علل پوچ «تروریسم» متهم کرد و کمیسیون انتخابات ایالتی نیز اخیراً صلاحیت او را برای شرکت در انتخابات رد کرد. رژیم به‌جای رسیدگی به مشکلات اجتماعی و اقتصادی عظیمی که پاکستان با آن مواجه است، آشکارا بر نابودی خان متمرکز شده است.

اما دولت تنها بازیگر این حماسه نیست. خان از حمایت گسترده در صفوف ارتش پاکستان برخوردار است و شاید این توضیح خوبی باشد که چرا دولت امنیت ملی بشدت نظامی شده تا این حد از سرکوب بسیج مردمی بی‌میل بوده است. اگر چنین دستوراتی صادر می‌شد، این خطر واقعی وجود داشت که اسلحه‌های سربازان به‌سمت دیگر برگردد و شورش در ارتش ایجاد شود.

اینها همان نیروهائی هستند که در دو دهه گذشته در «جنگ علیه تروریسم» امریکا مجبور به فداکاری و جانبازی شده‌اند. در این مرحله، آنها مطمئناً بیش از هر دستور جدیدی که فرماندهی عالی نظامی در همدستی با واشنگتن صادر کند، به قول خان برای دوستی با ایالات متحده در صلح، اما نه جنگ، جذب می‌شوند.

این در حالی است که دستگیری‌ها، شکنجه‌ها و کشتارهای غیرقانونی زیر چشم این حکومت اتفاق می‌افتد. ارشد شریف، روزنامه‌نگار برجسته، که فساد در رژیم را افشاء می‌کرد، ماه گذشته پس از فرار به کنیا در شرایط عجیبی کشته شد. گروه‌های سیاسی پاکستان به دلیل ریاکاری، دروغ و فرصت‌طلبی خود کاملاً افشاء شده‌اند.

عدم اطمینان پیش رو

در این مرحله، فقط می‌توانیم درباره انگیزه تیراندازی به خان در هفته گذشته حدس بزنیم. او در جریان آنچه که هوادارانش آن را یک سوءقصد نامیدند از ناحیه پا مجروح شد. بسیاری از ناظران بر این باورند که اگر یک فرد مسلح آموزش دیده برای اطلاعات پاکستان می‌خواست خان را بکشد، نتیجه‌اش همین بود.

در عوض، برخی می‌گویند که تیراندازی ممکن است هشدار برای خان و حامیانش باشد که یکی از آنها پس از تحمل جراحات گلوله در همان حادثه جان باخت. اما این توضیح ضعیف به نظر می‌رسد زیرا اکنون تمام جهان می‌دانند که عملاً هیچ چیز نمی‌تواند خان را از رویارویی آشکار با قدرت‌ها، چه در اسلام‌آباد و چه در واشنگتن، باز دارد. انگیزه هرچه که باشد، می‌تواند بشدت نتیجه معکوس داشته باشد و به فشار خان برای تغییر شتاب بخشد. نخست‌وزیر سابق تأکید کرده است که تجمعات و راهپیمائی‌های او باید مسالمت‌آمیز باقی بماند و در واقع تظاهرات تاکنون به طرز باورنکردنی منظم بوده است.

در عین حال، ما نباید از بازی‌های قدرت ژئوپلیتیک بزرگتر در اینجای کار غافل باشیم. خان واشنگتن را به دست داشتن در توطئه برای دور نگه داشتن او از هرم قدرت متهم کرده است. در زمانی که دست‌نشانده‌های سابق ایالات متحده - از جمله عربستان سعودی و هند - با تحقیر امریکا از همراهی با «جنگ سرد جدیدی» که علیه چین و روسیه به راه انداخته است خودداری کرده اند - ظاهراً واشنگتن می‌خواهد روابط خود را با ارتش قدرتمند پاکستان احیاء کند.

خان یک سوسیالیست انقلابی نیست، اما معتقد است که پاکستان حق دارد سیاست خارجی مستقل خود را حفظ کند. به همین دلیل، او همچنان یک مانع برای واشنگتن خواهد بود.

در حالی که نتیجه این وضعیت آشفته عمیقاً نامشخص می‌باشد، یک چیز کاملاً واضح است: نبرد سیاسی بین خان و اکثریت قریب به اتفاق پاکستانی‌ها از یک طرف و نخبگان قدرتمند و ثروتمند غیرنظامی و نظامی (با حمایت واشنگتن) از سوی دیگر ادامه دارد. علی‌رغم انتقادهای مشروع از نحوه حکومت خان در زمان قدرت، نیروهای مترقی باید بتوانند بفهمند که اکنون در کجا قرار دارند.

* <https://www.globalresearch.ca/imran-khan-shooting-pakistan-reached-tipping-point/5798724>

(این مقاله در اصل در Middle East Eye منتشر شده است.)

** - جنید اس. احمد، دین و سیاست جهانی تدریس می‌کند و مدیر مرکز مطالعات اسلام و استعمار، اسلام‌آباد، پاکستان است. او یکی از همکاران دائمی گلوبال ریسرچ است.

۲۹ آبان - عقرب - ۱۴۰۱